

## بررسی مقایسه ای پارادایم های مطالعات کمی و کیفی (قسمت اول)

پژوهشگران: عبدالحسین امامی سیگارودی<sup>1\*</sup>، مهوش صلصالی<sup>2</sup>

1) دانشجوی دکترای پرستاری، مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان

2) آموزش پرستاری، استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران

تاریخ دریافت مقاله: 90/9/25

تاریخ پذیرش مقاله: 90/11/22

تقریباً همزمان با این تحولات وسیع در اندازه گیری و سنجش و پژوهش در غرب توجه دانشمندان به این نکته جلب شد که سنجش و پژوهش های کمی، با وجود کارایی و دقت خود در مطالعات رفتارگرایانه، پاسخگوی مطالعه پدیده های پیچیده تر نیست و به همین جهت از همان نیمه قرن گذشته کوشش وسیع دیگری برای گسترش پژوهش های کیفی گرای آغاز شد و بخصوص در ربع آخر قرن گذشته میلادی به اوج خود رسید و رقیب نیرومندی برای مطالعات کمی شد(2).

پژوهش های کیفی ابتدا توسط مردم شناسان در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم مطرح شد و بعد از سالهای دهه (1930 و 1940) محققان دیگر (از جمله پرستاران) نیز به تدریج، این رویکرد را مورد استفاده قرار دادند. در واقع از سالهای دهه 1970 بود که تحقیقات کیفی به صورتی نظام یافته به کار گرفته شد. از آنجا که رویکردهای سنتی کمی در پژوهش بیش از اندازه بر دیدگاه های پژوهشگران متکی بود و به نظر و گرایش شرکت کنندگان در تحقیق توجهی نمی شد، برخی از محققان رویکرد تازه ای از پژوهش را، که "تحقیق طبیعی یا ساختن گرایی" نامیده شد، پیشنهاد کردند تا نقصان های پژوهش کمی را از بین ببرند(3). بر این اساس، گوبا و لینکلن و گوبا رویکرد تحقیق طبیعی را به جای رویکرد پژوهش های سنتی کمی ارائه کردند(4 و 5). بعلاوه، دنین و لینکلن نواقص و تضادها و درهم ریختگی الگوهای فکری مختلف در

ریشه های فکری اثبات گرایی را باید در تحولات عصر روشنگری قرن 18 میلادی در اروپا جستجو کرد که شاهد پیدایش ایمان به عقل انسان بود؛ یعنی همان انتظاراتی را که عصر ایمان نسبت به وحی الهی (به صورت فراگیر و جهانی) داشت، ولی قرن نوزدهم قرن غرور علم تجربی است(1).

اکنون بیش از هفتاد سال است که محققان و استادان تدریس روش شناسی پژوهش، کوشش کرده اند با تکیه بر دانش، سنجش، پژوهش و بررسی و تحقیق در پدیده ها، به انواع پژوهش ها برای نظریه پردازی، تحقیقات بنیادی، راهبردی و کاربردی بپردازند. بطوریکه که در نیمه دوم قرن گذشته در هر یک از دپارتمان های علوم مختلف دانشگاه های غربی دست کم یکی دو نفر بودند که در اندازه گیری و روان سنجی و تحقیقات کمی گرایانه حضور فعال داشتند. سرآغاز تحقیقات، بصورت علمی همزمان با ظهور پوزیتویسم با تحقیقات کمی در این زمان بود. البته با گذشت زمان فنونی چون نظریه تعمیم پذیری، مدل سازی، تحلیل چند متغیره، مدل های رگرسیون استدلالی و احتمالاتی برای متغیرهای مقوله ای و تحلیل تطابقی، تحلیل سری های زمانی، امکانات تازه ای را برای پژوهش های کمی فراهم آوردند. با چنین پیشرفتهایی بود که در پژوهش های کمی گرایانه (از قبیل طرح های تجربی با مقیاس وسیع، مطالعات طولی، تحقیقات نیمه تجربی، و فرا تحلیل) تحول بزرگی پدید آمد(2).

رویکردهای سنتی را مشخص نمودند(6).

علاوه بر این، محققان دیگر تمرکز خود را، به جای به چالش کشیدن تحقیقات کمی، بر چگونگی اجرای تحقیقات کیفی قرار دادند. همزمان با این کوشش ها، مسائل مربوط به انواع طرح های کیفی مورد مطالعه قرار می گرفت. اشتراوس و کوربین چگونگی اقدامات مربوط به اجرای پژوهش کیفی "تئوری زمینه ای" را مطرح کردند؛ ماکسول رویکردهای گوناگون طرح های مطالعات کیفی را ارائه کرد و کلاندینین و کانلی چهارچوب اجرای روش روایتگری را نشان دادند(8،7).

موضوع دیگر که در پژوهش های کیفی مورد توجه قرار گرفت، عملیات مشارکتی و حمایتی به منظور توجه ویژه به افراد فرهنگ های گوناگون و طبقات اجتماعی محروم بود. این محققان که رویکردهای حمایت کننده را به کار می گیرند خود را بی طرف و یا بدون جهت گیری سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حساب نمی آورند. آنان همان گونه که دِنزین و لینکلن می گوید، پژوهش های کیفی را حاکی از مسئولیت شهروندی، گفتمان اخلاقی و وسیله ای برای ایجاد تغییرات مورد نیاز اجتماعی می دانند(6). در معنای معرفت شناسی، علم(پرستاری همانند بسیاری از علوم دیگر) در پرتو تلاش های متدلوژیک محققین این دانش به روز می شوند و پویایی و سیالیت آن منوط به روش و نظرگاه خاص محققین این شاخه از دانش است(9).

به نظر می رسد علاقه محققین پرستاری به مطالعات با روش کیفی در حال افزایش است. بین سال های 1997 و 2006 بطور ثابت هر چند غیرخطی، شاهد افزایش تعداد خلاصه مقالات در فهرست پرستاری انگلیسی (BNI) و فهرست تجمعی پرستاری و بهداشت و درمان (CINAHL) هستیم(10)، که یقیناً به ضعف های روشهای سنتی و پیچیدگی رفتار انسان بر می گردد.

آنچه مورد توجه نویسنده است ریشه یابی

ضرورت مطالعات کیفی و انجام مناسب آن می باشد. برای این منظور لازم است به این نکته توجه کنیم، که: روش تحقیق شعبه ای از فلسفه علم است(11). لذا برای ورود به بحث لازم است خلاصه ای در مورد فلسفه علم ارائه گردد.

### فلسفه علم

برای بیان معنی دانش علمی، باید از فلسفه علم که دانسته یا نادانسته، بیان اندیشه و چراغ راهنمای پژوهش در علوم است، کمک بگیریم. مسایل فلسفه علم اساساً از نوع مسایل بنیادی، معرفت شناسی و متافیزیک است(12). از آنجا که نه فلسفه را فارغ از علم می توان دریافت و نه علم را بدون بنیادهای فلسفی آن می توان معنا کرد، شناخت فلسفه علم برای تولید علم و نوآوری ضرورتی قطعی است(۱۳،۱۵،۱۴).

هرندی به نقل از روزنبرگ می نویسد: فلسفه علم، شاخه ای از فلسفه است که در پی شناخت ماهیت پژوهش علمی، جریان های مشاهده علمی، الگوهای بحث و بررسی علمی، روش های بازنمایی، محاسبه ای، پیش فرض های متافیزیکی و ارزیابی زمینه های اعتبار آنها از دیدگاه معرفت شناسی است(16،11).

لطف آبادی معتقد است فلسفه علم در طول تاریخ خود دو حوزه مهم هستی شناسی و معرفت شناسی را مورد توجه قرار داده است. سؤال فلسفه علم در حوزه هستی شناسی(که غالباً با خود علوم همپوشانی پیدا می کند) این بوده است که کدام مقوله ها را می توان به درستی در درون نظریه های علمی قرار داد و وجود هر یک از این مقوله ها به چه صورتی است. از لحاظ معرفت شناسی، فلاسفه علم به تحلیل و ارزیابی مفاهیم عمومی و روش های مورد استفاده در مطالعه پدیده ها و مفاهیم و روشهای اختصاصی در پژوهشهای علوم معین پرداخته اند(13). البته این دو با هم در روش شناسی پژوهش بحث می شوند.

## مبانی روش شناسی پژوهش

محققان در هر برهه زمانی یا عصر علمی، پاسخ های ویژه ای برای پرسش های اساسی دارند و بنابراین آن طور که کوهن بیان داشت، شاهد ظهور پارادایم ها هستیم (17). پارادایم، نظام جامع اعتقادی و ارزشی است که راهنمای تحقیق و عمل در حوزه مطالعاتی به شمار می آید (7). از همین رو روش شناسی به منزله یک علم دستوری است، زیرا قواعدی را درباره اینکه «چه چیز»، «چگونه» و «چرا» مورد پژوهش قرار بگیرد، تبیین می کند (18، 19).

برای روشن تر شدن موضوع لازم است در مورد پارادایم بیشتر صحبت کنیم.

پارادایم ریشه یونانی دارد و یک نمونه و مثال از بعضی چیزها است، از نظر لغوی، بر ایده هایی از یک تصویر ذهنی یا الگوی تفکر دلالت دارد (22). این واژه ابتدا در قرن پانزدهم و به معنی الگو و مدل مورد استفاده قرار گرفت. از سال 1960 کلمه پارادایم به الگوی تفکر در هر دیسیپلین علمی یا دیگر متون معرفت شناختی اطلاق می شود.

پارادایم یکی از مفاهیم اصیل و بنیادی اندیشه های توماس کوهن، اندیشمند و فیلسوف معاصر علم است، مفهومی که بر سر چستی آن مناقشات بسیاری از مدتها پیش در گرفته است و هم اکنون نیز ادامه دارد (17).

بر اساس ایده کوهن، پارادایم اصطلاح جامعی است که همه مقبولات کارگزاران یک رشته علمی را در بر می گیرد و چهارچوبی را فراهم می سازد که دانشمندان برای حل مسائل علمی در آن محدوده استدلال کنند. کوهن معتقد است پارادایم یک علم، تا مدت های مدید تغییر نمی کند و دانشمندان در چهارچوب مفهومی آن سرگرم کار خویش هستند. اما دیر یا زود بحرانی پیش می آید که پارادایم را در هم می شکند و دگرگونی علمی به وجود می آید که پس از مدتی پارادایم جدیدی به وجود می آورد و دوره ای جدید از علم آغاز می شود (21، 22).

از نظر کوهن تئوری جاری پارادایم نیست، بلکه وی جهان بینی موجود را که آن نظریه در قالب آن شکل گرفته و همه کاربردهایی که از آن حاصل شده است را پارادایم می نامد.

به طور کلی، به منظور پی بردن به مسایل و واقعیت در علوم مربوط به انسان چهار دیدگاه نظری- فلسفی زیر بنایی (پارادایم) را می توان مورد نظر قرارداد. این دیدگاه ها از نظر تعریف واقعیت پدیده ها و چگونگی دستیابی به شناخت درباره آنها متفاوتند.

چهار دیدگاه نظری- فلسفی (پارادایم تحقیق) را به شرح زیر می توان مورد نظر قرار داد: اصالت تحصیلی (اثبات گرایی)؛ تفسیرگرایی؛ نظریه انتقادی و پس ساختارگرایی. این پارادایم ها در پاسخ به سه سوال اساسی که درباره هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی مطرح می شود، متفاوت می باشند. به تعبیر دیگر، پاسخ این که: "واقعیت یک پدیده چیست؟"، "ماهیت شناخت درباره واقعیت این پدیده چیست؟" و "چگونه این شناخت حاصل می شود؟" در این چهار پارادایم یکسان نیست. از این رو پژوهشگر با انتخاب طرح تحقیق، به طور ضمنی، آشکار می کند که از میان دیدگاه های نظری- فلسفی تحقیق (پارادایم)، کدام را مبنای دستیابی به شناخت قرارداد است. بعلاوه مهارت های پژوهشی مورد نیاز و سایر پیش فرض های تحقیق ذریبط آشکار می شود (23).

**References:**

- 1-Akhvan T, Saadati laylan S. Positivism, logical positivism. Available from: <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=17996>
- 2-Lotfabadi H, Norozi v, Hoseini N. Survey research methodology training in Psychology and Educational Sciences in Iran, Review Quarterly journal of Educational Innovations. 2008.6(21),pp:109-140.
- 3-Jokar B. Qualitative research versus quantitative research. Periodical letter. Mirza Shirazi's art and cultural publications.2004.(5),pp:6. [text in Persian].
- 4-Guba E G. Toward a methodology of naturalistic inquiry in educational evaluation. Los Angeles: UCLA Center for the Study of Evaluation.1970.
- 5-Lincoln Y S, Guba E G. Naturalistic inquiry.CA: Sage.1985.
- 6-Denzin N K, Lincoln Y S. Handbook of qualitative research.3<sup>th</sup> ed. Thousand Oaks, CA: Sage. 2006.
- 7-Straus A, Corbin J, Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage.1990.
- 8-Maxwell j A. Qualitative research design: An interactive approach. Thousand Oakes, CA: Sage.1996.
- 9-Razavi S. Source criticism in History. what and how. Tehran: Ketabe Mah (History&Geography).2010.(133). [text in Persian].
- 10-Cameron R , Miller P , 'Mixed method research: phoenix of the paradigm wars'. Proceedings of 21st Annual Australian & New Zealand Academy of Management (ANZAM) Conference. Sydney. 4-7 December. 2007.
- 11-Lotfabadi H, Norouzi V, Minavi. Wisdom, explicit knowledge, development of scientific character as the basis for Educational Innovations and training. Journal of Educational Innovations. 2007.15. [text in Persian].
- 12-Regabati H. Philosophy of Science. Tehran: martyr Beheshti University. 1990.
- 13-Gilis D. Philosophy of science in the twentieth century. translated by H. Miyandary. Tehran. Samt Publications and Taha cultural Institue.2003.
- 14-Carnap R J. Introduction to the Philosophy of Science. Translated by Afify Tehran: Nilofar Publications.2000. [text in Persian].
- 15-Chalmz A F. Nature of science, Introduction to Philosophy of Religious Science. Translated by the Zibakalam S. Tehran, Samt Publications.2012. [text in Persian].
- 16-Rosebberg A. philosophy of science.new York.routledge.2005.
- 17-Kuhn Th. Structure of Scientific Revolution price. translated by Aram A. Tehran, Soroush.1988. [text in Persian].
- 18-Ellis A, Denzin N, Linkoln Y, Morse J, Pelias, R, Richardson L.Talking and thinking about qualitative research. Qualitative Inquiry. 2008.14(2)pp:254-284.
- 19-Madani Brojani S A, Nasr A. Thriangulation: a strategy for innovation in educational research. Journal of Educational Innovations.2010. 30,pp:53-59. [text in Persian].
- 20-Voce A. Introduction to research paradigms Handout for the Qualitative Research Module. November 2004.
- 21-Webster's Third New International Dictionary of the English Language Unabridged. London. 1961.
- 22-Freedictionary. Lexical meaning of paradigm. Available from URL: <http://www.thefreedictionary.com>
- 23-Association of Iranian young physicists. What is science? (Part III). Available from URL <http://www.hupaa.com / Data/P00344.php>